



هنرمند آن تجلیاتی که از مردمش در درونش شکل گرفت، تصویر می‌کرد و نسبت به پدیده‌ها و باورهایی که حتی در درون خودش نقش نشده بود و آنها را در فعل و عمل مردم می‌دید یک نوعی تعالی‌خواهی داشت؛ شهید را معرفی می‌کرد و عدالت‌خواهی را، خودش هم همراه مردم رشد می‌کرد



متأسفانه دریاچه‌شان کار نشده‌است و این کار می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت انقلاب داشته باشد.

کاربرد و به روز شدن آثار

دکتر حبیب‌الله صادقی (از داوران نمایشگاه): هنرمند ایرانی نقش کاربردی آثارش را تعریف کرده است؛ چه آن زمان که کتاب‌ها با نگاره‌ها همراه می‌شد و چه آنجا که در ظروف، آیات و روایات و پندهای اجتماعی نگارش می‌شد؛ از همان نقش‌ها، فرصت فرهنگی ایجاد می‌کرد و پیامش را انتقال می‌داد.

در مورد هنر انقلاب، هنرمندان یک خود سفارشی داشتند؛ حدیث جوش خودشان بود و آن حقیقت را که در مردم هم متجلی بود، تسری می‌دادند و نقاشی می‌کردند و مخاطب، خود هنرمند و مردم بودند که داور می‌کردند. هنرمند آن تجلیاتی که از مردمش در درونش شکل گرفت، تصویر می‌کرد و نسبت به پدیده‌ها و باورهایی که حتی در درون خودش نقش نشده بود و آنها را در فعل و عمل مردم می‌دید یک نوعی تعالی‌خواهی داشت؛ شهید را معرفی می‌کرد و عدالت‌خواهی را، خودش هم همراه مردم رشد می‌کرد. انقلاب یک مدرسه انسان‌سازی بود و هنرمند کامتی‌های خودش را در مردم جست‌وجو می‌کرد و ضعف‌هایش را پاک می‌کرد. این یک حرکت جمعی بود به سمت شدن.

نسل دوم و سوم هم امروز بر اساس آن باطن و پیام تاریخی و مؤلفه‌های دین‌خواهی و دین‌داری که از قبل پدران‌شان به او رسیده، به مکتب و مدرسه‌ای تهذیب شده وارد شده‌است و مؤلفه‌های متعالی‌تری از این حضور بسیجی را می‌تواند معرفی کند. پدران‌ش رسوب شمشیر و زخم را در بدن‌شان تجربه کرده‌اند و هوشیاری دارند، ولی نسل امروز بسیجی، روشنفکرتر، متعالی‌تر و به روزتر و هوشیارتر است.

ضعف‌ها و کاستی‌ها

صادقی: من ضعف نمی‌گویم. کارهایی با موضوع هنر دینی و هنر انقلاب، مرتبه‌ای فراتر از نقش عینی هنر آکادمیک دارد. اگر قرار باشد من یک تصویرسازی کنم و چند تا شیء را بکشم، با چیره‌دستی و طراحی و نورگسزایی به موقع یاد می‌گیرم و می‌توانم این تصویر و تصور را به گونه‌ای نمایش دهم. انقلاب اسلامی از پوسته عینیت می‌گذرد و به دنبال یک حقیقت درون عینیت است. بنابراین اگر آن نگاه مثالی و نگاه به عالم خیال و آن اسطوره‌ها را که اسطوره جمعی است، پیدا کند، کار بسیار بزرگی کرده است. هنرمند اگر بتواند این واژه‌ها را نمادشناسی و نهادینه کند، به مقصد رسیده است. هنرمند برای رسیدن به "قدس" هنر، باید از

اهداف شکل‌گیری انجمن و فعالیت‌های آن

علیرضا عاقل‌زاده (مسئول انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس): «... انقلاب اسلامی ایران که در دنیا و در نوع خود بی‌نظیر بود، بحث هنری خاص خود را به همراه داشت و آثار هنری این دوره بازتاب رویدادهای انقلاب است.

انقلاب اسلامی ایران در پرداختن به هنر ضعف‌هایی داشت که به رغم شکل‌گیری شورای انقلاب فرهنگی برای آن فکر مناسبی نبود، البته در مقاطع کوتاهی، بسیاری از هنرمندان تحت تأثیر جوی حاکم، به صورت خودجوش یک سری کارهای هنری را ارائه دادند و می‌شود گفت که در زمینه هنر انقلاب اسلامی تا حدودی کار شد. با آغاز دفاع مقدس، هنر انقلاب هم تحت‌الشعاع آن قرار گرفت. با اتمام جنگ، هنرمندان با دیدگاه‌های مختلف سیاسی همراه شدند و این ضرورت و ضعف بزرگ در هنر انقلاب اسلامی حس می‌شد که متولی فرهنگی ندارد و باید متولی مناسب هنری و جایی به وجود بیاید که درباره هنر انقلاب اسلامی کار کند که این موضوع باعث ایجاد «انجمن هنرهای تجسمی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» و برگزاری چنین مسابقاتی شد. ما سعی می‌کنیم هنرمندان را متوجه هنر انقلاب و مفاهیم انقلابی بکنیم تا آثاری خلق شود که تاریخ انقلاب را برای نسل‌های آینده روایت کند.

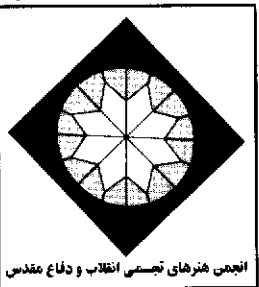
یکی از شعارهای اصلی انقلاب، برقراری عدالت اجتماعی است. تحقق این مفاهیم، بسیاری از جنبه‌ها باید دست به دست هم بدهند که بخش اعظمی از آن مربوط به هنر و بخشی از هنر هم هنرهای تجسمی است. سینمای انقلاب تقریباً توانسته جایگاه خود را به عنوان هنر مؤثر پیدا کند و در سراسر دنیا مخاطب دارد و تأثیرش را هم در سینمای ایران حس می‌کنیم اما در مورد هنرهای تجسمی که هنری به روز و دارای جایگاهی ویژه بین مردم است، متأسفانه کاری که باید صورت نگرفته و برگزاری چنین نمایشگاه‌ها و مسابقاتی، فضای لازم را ایجاد می‌کند تا هنرمندان ما را به سمت هنر انقلاب سوق دهد.

هنرمندان ما باید متوجه تفکراتی که باعث بروز انقلاب شد باشند. هنرمندان نسل دوم و سوم باید بفهمند کسانی مثل شهید مطهری و بهشتی بوده‌اند و اینها باید نمادی جهت از فردوسی و بوعلی سینا- بشوند. اینها کسانی بودند که شخصیت‌هایی مثل فردوسی و بوعلی سینا را تکمیل کردند و اگر بخواهیم درباره شهید بهشتی حرف بزنیم باید بگوییم که او دنیایی از معارف اسلامی و انسانی است. ما از تجارب آنها استفاده کردیم که الآن در این مسیر قرار داریم. بخشی از هنر انقلاب مربوط به این آدم‌ها می‌شود که

... متأسفانه استقبال خیلی کمی ...

کتاب‌های و سوره‌ها

انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس

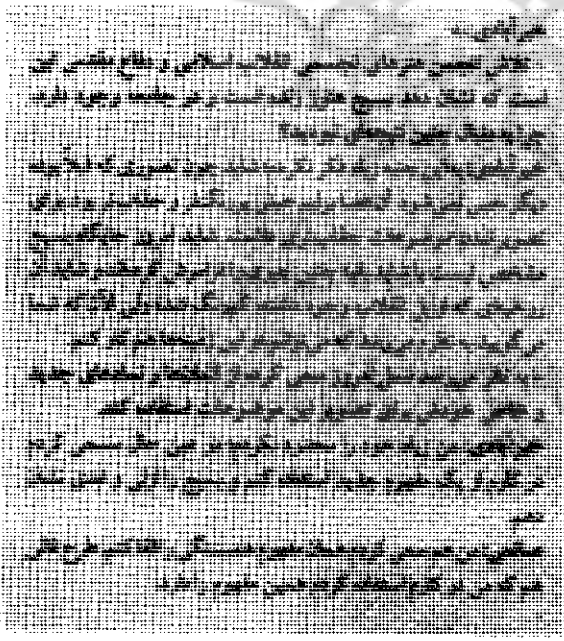


انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس



آنچنانی ایجاد کرد اما حرکت بسیار خوبی برای ما بود. ما نخواستیم بگوییم که حتماً باید به ایده آنها برسیم بعد شروع کنیم. ما می‌خواستیم بستری مناسب فراهم شود برای هنرمندان متعهد، چراغی بزنیم و حرکتی طراحی کنیم.

پیش از این با تشکیل حوزه هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید هنر انقلاب انسجام پیدا می‌کرد اما به دلیل عدم توجه که دلایل مختلفی دارد، این اتفاق نیفتاد که مهمترینش به نظر من، نبود مدیریت فرهنگی است، یعنی شورای انقلاب فرهنگی ما که سال‌های سال است شکل گرفته و جلسات مختلفی برگزار می‌کند، خلأهای بسیار بزرگ فکری در این زمینه دارد، شورای انقلاب فرهنگی یک شورای بسیار مهم و برجسته است با آدم‌های بسیار برجسته و هنر و فرهنگ این مملکت را می‌توانند رهبری کنند، اما متأسفانه می‌بینیم که آنها هم در سطح مانده‌اند. شاید دلیلش این باشد که کشور ما دچار سیاست‌زدگی شده و انقدر این مباحث زیاد است که فرصت ظهور را از پدیده‌های دیگر، مثل هنر گرفته است لذا کار بسیار سخت است؛ باید بیشتر از گذشته کار کنیم و فعالیت‌های بیشتری انجام بدهیم. از جوان‌ها ایمان باید خوب استفاده کنیم. همان‌طور که خود ما، جوان بودیم و به شکلی هنر انقلاب را تغییر دادیم. همین جوان‌ها هم می‌توانند ادامه دهنده هنر انقلاب باشند؛ ضمن آن‌که اصیل‌ترین هنرهایی که در ارتباط با تمدن‌های مختلف شکل گرفته، به دنبال گذشت زمان بوده است، یعنی حتماً باید زمان می‌گذشت تا این هنرها شکل بگیرد. اگر بحث هنر انقلاب یا دفاع مقدس در نظر بگیرید، در زمان دفاع مقدس، خیلی‌ها بحث چرایی جنگ را مطرح می‌کردند اما با گذشت زمان متوجه می‌شویم که آن اتفاق چقدر ارزشمند بوده و چقدر سازندگی داشته است. جنگ ممکن است خرابی‌ها و مصیبت‌هایی داشته باشد که حتماً هم دارد اما باعث آبادانی‌هایی هم می‌شود. جنگ باعث شد که فکرهای خلاق به وجود آید و سازندگی و خودکفایی حاصل شود. در زمینه هنر انقلاب هم همین‌طور است. با وجود فرصت‌هایی که از دست رفته، شاید بتوان گفت نسل سوم انقلاب درباره انقلاب قضاوت‌های بهتری می‌تواند بکند. آنها چیزی دارند به نام تاریخ انقلاب که تقریباً ۳۰ سال از آن گذشته و دستمایه خوبی است که بتواند هنر انقلاب را پربارتر کند.



این نسل باید در درون خویش به یک مراقبت فردی برسد. خودانگیخته و خو سفارش به این سمت بیاید، که دارد می‌آید

هنرمندان جوان در کنار هم

عاقبت زاده: ما داریم مخاطبان خودمان را پیدا می‌کنیم. ممکن است هنرمندان جوان ما در قدم‌های اول دچار ضعف‌هایی باشند و شاید جدی برخورد نکنند اما جزء سیامت‌های این انجمن در درجه اول حمایت و هدایت هنری و در درجه دوم تولید است. مثل خیلی از مجموعه‌های دیگر، بودجه‌ای برایش تعریف و عملیاتی هم از آن استنتاج می‌شود. ما در زمینه‌های مختلف با وجود توانایی‌هایی که داریم، می‌توانیم فعالیت‌هایی را نه‌چندان گسترده اما ریشه‌ای انجام بدهیم تا برگزاری چند برنامه خوب هنری و تأثیرگذار، بتواند هم هنرمندان را جذب و هم خلق اثر کند و بر اساس آن بودجه مناسبی هم بگیرد. همه اینها به میزان موفقیت ما بستگی دارد. اگر انجمن در برنامه‌های اول خودش موفق ظاهر شود، این موضوع به طور قطع به جذب بودجه هم کمک خواهد کرد. شاید بشود گفت که بسیاری از متولیان فرهنگی خودشان کمک خواهند کرد.

صادقی: اگر جریانی ادامه نداشته باشد، رها خواهد شد. بعد از سال‌ها جرقه‌ای زده شده‌است؛ باید جوانان را باور کنیم تا بچه‌های بیشتر و عمیق‌تری به طرف این فرهنگ بیایند. اگر ان‌شاءالله مقطعی نباشد، آثار بسیار پربرکتی می‌تواند داشته باشد.

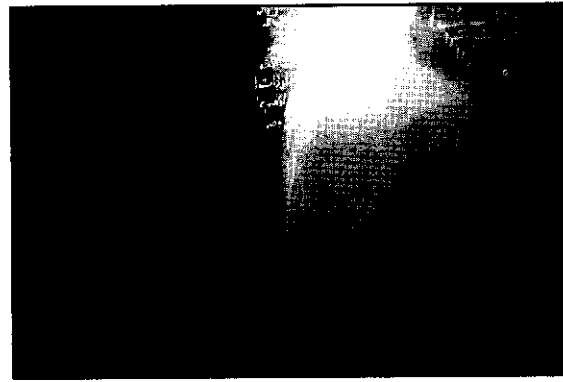
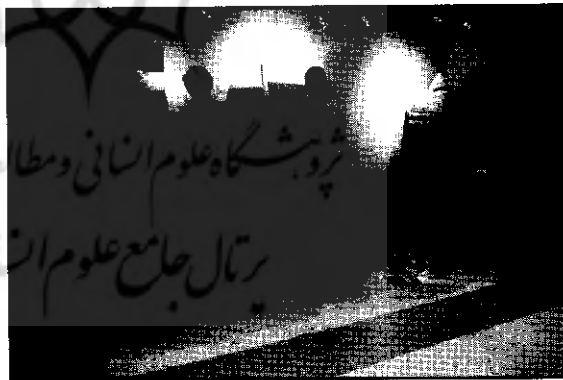
البته نکته‌ای را هم عرض کنیم، این که ما زمانی خیلی نگران بودیم؛ نگران این که این ماهواره‌ها دارند از بالا رشحات تصویری‌شان را برای خانواده‌های ما می‌فرستند ولی همان‌طور که دیدیم مردم ما توانستند با یک موج عظیمی این کشتی‌های موسسه را از فضای خانواده دور کنند. الان هم باید طوری بشود که بچه‌های ما خودسفرارش بشوند. خودسفرارش یعنی این که آثاری تا صدای مضراب موسیقی بسپج بلند می‌شود، بچه‌های ما واقعا از خودبی خود می‌شوند. خودآگاهی تاریخی‌شان آنها را به این سمت می‌کشاند. این نسل باید در درون خودش به یک مراقبت فردی برسد. خودانگیخته و خودسفرارش به این سمت بیاید، که دارد می‌آید. البته باید مقداری اضافاتش را بترانسیم. به قول میکال آنز، مجسمه‌ای درون کوه هست که باید اضافه‌اش را بزنیم، تا خودش دیده شود. باید آن غبار را کنار بزنیم که باطن بچه‌ها دیده شود.

هنر انقلاب و عرضه جهانی

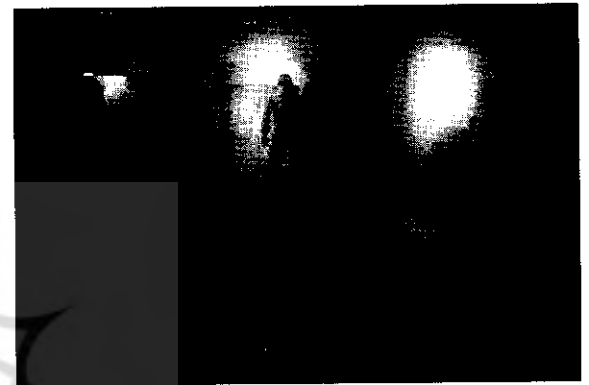
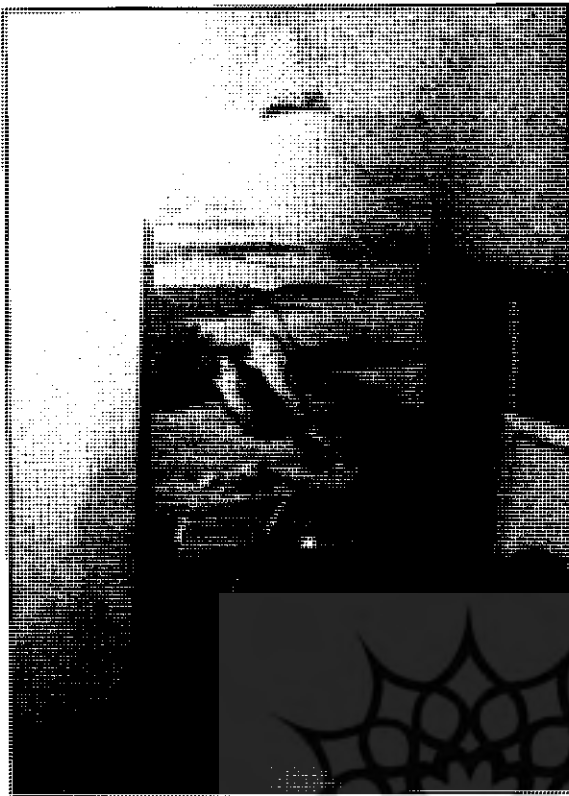
اگر بخواهیم به بازتاب هنر انقلاب در رسانه‌های غرب و به روایت و رؤیت آنها استناد کنیم و از طریق آنها خودمان را محک بزنیم، خوب آنها پدیده‌های خیلی بزرگ دیگر ما را هم با سکوت و سکون برگزار می‌کنند! شما تاریخ هنر دنیا را نگاه کنید. چه سکوت بزرگی کرده‌اند، یعنی تاریخ‌نویسان، فرهنگ بشری را به روایت خودشان دارند تعبیر و تفسیر می‌کنند. من نمایشگاه هنر نگارگری ایران را در موزه هنرهای معاصر دیدم؛ همه صاحبان این فضیلت از کمال‌الدین بهزاد گرفته تا سلطان محمد، نقش حکمی و تاریخی خودشان را بازی کرده‌اند و این در تاریخ فرهنگ بشری بسیار بزرگ است. شما تأثیری را که «وان گوگ» و «ماتیس» از هنر ایرانی و هنر شرق گرفته‌اند، نمی‌توانید انکار کنید. خود ماتیس عادلانه اعلام می‌کند که شرق ما را نجات داد. بنابراین من نمی‌دانم این چه معنی دارد کسانی که دارند تاریخ را به روایت جدید می‌نویسند - حتی آنها که درباره تاریخ اجتماعی ایران نوشته‌اند - از هنر انقلاب در حد دو خط یاد کرده و گذشته‌اند. به نظر من بی‌تقوایی است درباره نسل که مثلاً سال اول دانشکده هنرهای زیبا بود و وارد انقلاب شد و یا دو سه سال سابقه کار هنری داشت و آمد کنار یک نهضت عظیم و یک حقیقت بزرگ و آرمان‌جو و آرمان‌خوا قرار گرفت و آن حقیقت را به تصویر کشید، حرفی گفته نشود.

به طور قطع ضعف‌های تکنیکی و یا نمادشناسی هم باید دیده شود ولی اگر آنها این مسیر تحول و تطور هنر انقلاب را نمی‌بینند و به زبان نمی‌آورند، من نگران نیستم که هنر انقلاب از رؤیت فرهنگ بشری دور مانده. روشنفکران وطنی هم به گونه‌ای چون با اصل حقیقت انقلاب عناد دارند، از هنر انقلاب در حد یک مدیوم و یک پاساژ رد می‌شوند. ما اصلاً قرار نداریم که خود را ثابت کنیم.

اگر هنرمندان را با معرفت و باور اصلی‌مان تطابق دهیم، خدا در آن تجلی به وجود می‌آورد و آن را محقق می‌کند. ما برای یک حقیقت کار کرده‌ایم، صاحب آن حقیقت اگر قرار داده که این معرفت را متجلی و باور باطنی ما را محقق بکند، این کار می‌شود و ما هم جای نگرانی نداریم. ما دنبال نگرانی‌های ادبیات روشنفکری نیستیم. ما بر اساس یک فریضه و فضیلتی



این نسل باید در درون خودش به یک مراقبت فردی برسد. خودانگیخته و خودسفرارش به این سمت بیاید، که دارد می‌آید



متأسفانه استقبال خیلی کمی
... اتفاقاً خبره هستند

کمال‌الدین بهزادهای امروز دارند کار و حرکت بزرگ را ایجاد می‌کنند. من واقعا خوشحالم معلم نسلی هستم که به یقین از ما سرآمدتر و بهتر است و باید هم باشد.

کار می‌کنیم و خدا هم ان‌شاءالله عنایتش را دریغ نمی‌کند.

نقش رسانه‌ها و تبلیغ

عاقل‌زاده: از رسانه‌های گروهی و رسانه‌هایی که فعالیت گسترده دارند، تقاضا می‌کنم باری مثل هنر انقلاب را، به دوش یک مجموعه نیندازند، باید خیلی کسان و مجموعه‌ها دست به دست هم دهند تا بتوانند این بار را به مقصد برسانند. شاید بشود گفت بخش اعظمی از این بار به عهده رسانه‌هاست. رسانه‌ها باید در زمینه مباحث نظری و هنری تیز فعال شوند چون در این حیظه کار بسیار کمی صورت گرفته و ما نیاز داریم بحث‌های سیاسی را مقداری تعدیل کنیم.

هم مدیریت و هم کارشناسان رسانه‌ای که اتفاقاً خبره هستند می‌توانند مدیریت‌ها را هدایت کنند و مشاوره‌های خوبی بدهند تا عملیات مناسبی انجام گیرد.

نشانه‌شناسی نسل نو

عاقل‌زاده: هنرمندان مختلف بر اساس هر پدیده اجتماعی، نقد و نگاه خاص خودشان را دارند در زمینه هنرهای تجسمی، هنرمند ما می‌تواند پدیده‌ها و شخصیت‌های ارزشی انقلاب را با زبان بصری خودش بشناساند. درباره این ارزش‌ها می‌توان کتاب‌های مختلفی نوشت اما آدم‌ها، تنها، کتاب نمی‌خوانند. به‌خصوص الآن که تکنولوژی کاملاً زندگی ما را عوض کرده، به جای کتاب خواندن، تصاویر را می‌خوانند و تصاویر، نقش مهمی در این دوران دارد. به همین دلیل هنرمندان ما با قلم و زبان تصویری خودشان که بین‌المللی هم هست و نیاز به ترجمه ندارد و آن را می‌توان در سراسر دنیا نمایش داد، حرف خود را می‌زنند.

صادقی: تعاریف و نشانه‌هایی که نسل سوم دارد، خیلی متعالی‌تر و کامل‌تر از چیزی است که پیش از این نسل دیده‌ایم. نسل ما هم برای باورهاییمان زحمت‌های بسیاری کشید، نتیجه و برکتش هم این است که نسل کنونی به اتفاقات علمی و هنری و فرهنگی تو در دنیای معاصر رسیده و در آن سرآمد و کارآمد است. من منتظرم و می‌بینم که در آتلیه‌های کوچک،

رنامه‌های آینده و انتظارات از انجمن

عاقل‌زاده: ما در حد بضاعت موجود، در پی اجرای آن چیزی هستیم که در حوزه هنرهای تجسمی تعریف دارد.

ما در زمینه‌های پژوهشی و تولید و خلق اثر که گستره وسیعی هم دارد، می‌توانیم به هنرمندان کمک کنیم. البته در سال‌های اول و دوم فعالیت شاید تا حدودی محدودیت‌های مالی وجود داشته باشد ولی سعی می‌کنیم تا حد امکان به توقعات هنرمندان جواب بگوییم و بعد به کمک همین دوستان برای سال‌های آینده برنامه‌ریزی کنیم. در تداوم این کارها مسابقات و نمایشگاه‌های دیگری هم با موضوع شخصیت‌های دیگر انقلاب حتما برگزار خواهیم کرد. درباره شهید مطهری برنامه‌های دیگری هم داریم. با بررسی نتایج نمایشگاه قبلی تصمیم می‌گیریم که چطور سراغ شخصیت‌های دیگر و یا سراغ چه پدیده‌های دیگری برویم.

در خصوص موضوع‌های دیگر هم تجربه‌های خوبی داریم ایجاد می‌کنیم. با دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده‌های هنری دیگر تعاملاتی داریم و دوستانی دارند کمک می‌کنند که ریشه این انجمن از همین دوستان دانشجویان تغذیه بکند. اگر قرار باشد دانشجویان در دانشگاه‌ها به لحاظ نظری و عملیاتی به یک سطح بالاتری برسند، جاهایی مثل انجمن می‌تواند پشتیبانی کند که هنرمندان خلاق اوج بگیرند. همین کارگاه نقاشی گروهی، با همکاری دانشجویان نقاشی دانشکده هنرهای زیبای تهران، برای قدم‌های بعدی تجربه خوبی بود.

ما برای موفقیت در این راه دست‌نیاز به سمت هنرمندان و علاقه‌مندان دراز می‌کنیم. خیلی‌ها هنرمند نیستند ولی طرح‌ها و فکرهای خوبی برای چنین انجمن‌هایی دارند؛ دست این دوستان را هم به گرمی می‌فشاریم و سعی می‌کنیم به عنوان عضوی کوچک در هنرهای تجسمی در حد بضاعت‌مان کار کنیم.



هنر انقلاب را، به دوش یک مجموعه نیندازند، باید خیلی کسان و مجموعه‌ها دست به دست هم دهند تا بتوانند این بار را به مقصد برسانند. شاید بشود گفت بخش اعظمی از این بار به عهده رسانه‌هاست